

گندم، از خودکفایی تا شعار؟

راهبرد خودکفایی بدون هزینه-فایده

امروز دنیا با چالش‌های متعدد در حوزه زیست‌محیطی روبه‌رو شده که تأمین غذا را با مشکل مواجه کرده است. چگونه می‌توان امنیت غذایی را در افق زمانی مشخص صیانت و حمایت کرد و به منابع طبیعی، پایه و محیط زیست کمترین هزینه وارد شود؟ ما چقدر به سمت رویکردهای جدید برای تأمین غذای مردم رفته‌ایم یا همچنان بر الگوی خودکفایی بر نیازهای اساسی تأکید داریم؟ این مقاله را بخوانید.



گندم به‌عنوان نهاده اصلی در تهیه نان، نشان از وابستگی سبب غذایی خانوار به محصول گندم دارد. صرف‌نظر از نقش نان در اقتصاد، باید به نقش آن در تأمین نیازهای غذایی مردم کشور و به ویژه گروه‌های کم‌درآمد اشاره کرد. درصد بالایی از نیاز مردم کشور به کالری، پروتئین، ویتامین‌ها و املاح معدنی با مصرف نان حاصل می‌شود. نان به‌عنوان کالایی اساسی و ضروری دارای اهمیت ویژه‌ای در سبد مصرفی خانوارها بوده و غذای اصلی و پایه بسیاری از مردم در کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد. روزانه قسمت اعظم انرژی، پروتئین، املاح معدنی و ویتامین‌های گروه B (تیامین، ریبوفلاوین و نیاسین) مورد نیاز بدن را تأمین می‌کند. در ایران ۶۵-۶۰ درصد پروتئین و کالری و حدود ۲ تا ۳ گرم املاح معدنی و قسمت عمده از نمک طعام مورد نیاز روزانه افراد از خوردن نان تأمین می‌شود. به‌طوری که با مصرف متوسط روزانه ۳۰۰ گرم نان، حدود ۵۰ درصد پروتئین، ۶۰ درصد تیامین و نیاسین، حدود ۴۰ درصد کلسیم و حدود ۸۰ درصد آهن مورد نیاز بدن یک فرد بزرگسال تأمین می‌شود (ماهنامه استاندارد، شماره ۱۳۸، اسفند ۱۳۸۸ ص ۸، مسعود خبازی، جایگاه نان در سبد غذایی خانوار ایرانی).

بنابراین، نان یک محصول غذایی است که در امنیت غذایی خانوارها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی بودجه خانوار شهری در ایران نشان می‌دهد که انواع نان با متوسط مقدار مصرف سالانه یک خانوار شهری (بعد خانوار ۳،۲۸ نفر) ۲۹۸ کیلوگرم در سال (بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران، بانک مرکزی) پرمصرف‌ترین اقلام خوراکی در بین خانوارهای ایرانی بوده است. در سال ۱۳۹۶، مصرف برنج یک خانوار شهری در حدود ۱۰۶ کیلوگرم در سال بوده که در مقایسه با نان، مصرف نان ۲،۸ برابر مصرف برنج است.

به دلیل اهمیت گندم و فرآورده‌های آن در سبب غذایی خانوار، گندم به‌عنوان محصولی استراتژیک مطرح شده و همواره در کانون توجه سیاست‌گذاری‌های دولتی و کارشناسان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار داشته است. تصدیگری و مداخله دولت در حوزه تولید، خرید، نگهداری و توزیع گندم، بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور متفاوت است. دولت در راستای تأمین امنیت غذایی و حمایت از کشاورزی و در مواردی که شرایط بحرانی پیش می‌آید، در حوزه‌های مذکور ورود کرده و بنا به وظایف خود اقدامات مورد نیاز را به عمل می‌آورد. در این میان اندیشه و رویکرد خودکفایی گندم همواره مورد توجه دولت و حاکمیت بوده و دیدگاه‌ها و انتقاداتی از سوی کارشناسان را به همراه داشته است. بحث بر سر «خودکفایی» و «مزیت نسبی» است. در ادبیات اقتصادی، تعابیر مختلفی برای خودکفایی وجود دارد. به طور کلی خودکفایی معادل است با تولید محصول در داخل به اندازه مصرف داخلی کشور. هدف خودکفایی، استقلال نسبی در محصولات راهبردی است. تعریف فائو عبارت است از: «خودکفایی غذایی (food self-sufficiency) یعنی کشوری به چه میزان نیازهای غذایی خود را از داخل کشور تأمین می‌کند» (فائو، ۱۹۹۹). خودکفایی به وضعیتی اطلاق می‌شود که تولید همه (خودکفایی مطلق) یا بیشتر مواد غذایی (خودکفایی نسبی) برای مصرف داخل کشور صورت می‌گیرد. در تعریف این مفهوم

گندم یکی از محصولات عمده زراعی کشور ایران بوده که منبع تغذیه و درآمدی و تأمین زندگی بخشی از روستاییان کشورمان است. برخلاف سایر غلات، گندم را می‌توان از طرق مختلف از جمله در تهیه نان، بیسکویت، شیرینی، کیک، اسپاگتی و ماکارونی مورد مصرف قرار داد. از گندم در صنایع کاغذسازی، چسب‌سازی و همچنین در تهیه پودرهای لباس‌شویی هم استفاده می‌کنند. از سبوس و کاه آن نیز به عنوان خوراک دام استفاده می‌شود. انواع مختلف گندم برای مصارف مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. مثلاً گندم‌های نرم بهاره یا پاییزه برای مصرف در صنایع بیسکویت‌سازی، شیرینی‌پزی و کیک‌پزی مناسبند. در حالی که گندم‌های سخت پاییزه و بهاره در نانوائی استفاده بیشتری دارند. گندم در بخش تولیدات زراعی ایران جایگاه مهمی دارد. در سال زراعی ۹۷-۱۳۹۶، سطح زیرکشت کل محصولات زراعی کشور تقریباً برابر ۱۱،۱ میلیون هکتار بوده است که محصول گندم به تنهایی نیمی از زمین‌های زراعی کشور را به خود اختصاص داده است. سطح زیر کشت گندم در سال

زراعی ۹۷-۱۳۹۶ برابر با ۵،۴ میلیون هکتار بوده است. این امر نشان‌دهنده آن است که کشاورزان و خانوارهای روستایی زیادی به کشت گندم مشغول بوده و معیشت آنان به تولید گندم گره خورده است. بر اساس سرشماری کشاورزی سال ۱۳۹۳ مرکز آمار ایران تعداد ۱،۳ میلیون بهره‌بردار گندم‌کار وجود دارد که به کشت این محصول مشغول بوده و علاوه بر اینکه گندم مورد نیاز داخل کشور را فراهم کرده، از طریق آن معیشت و زندگی خانواده خود را تأمین می‌کنند. لازم به ذکر است تعداد بهره‌برداران گندم در کشور نسبت به سایر محصولات زراعی بیشتر بوده است. با همین آمار، اگر بعد خانوار را چهار نفر در نظر بگیریم، حدود ۵،۲ میلیون نفر از جمعیت کشور با شغل گندم‌کاری زندگی‌شان (تمام یا بخشی) تأمین می‌شود. حال اگر مشاغل غیرمستقیم مرتبط با گندم از جمله حمل‌ونقل، صنعت آردسازی، صنایع فرآوری همانند ماکارونی و نان را به این رقم اضافه کنیم، تعداد افرادی که از طریق زنجیره ارزش گندم به کار و فعالیت مشغول بوده و تأمین معاش زندگی خود را مدیریت می‌کنند بیش از این رقم خواهد بود. پس گندم فقط غذا نیست، بلکه محصولی است که به دلیل ارتباطات پسین و پیشین در اقتصاد ملی کشور باعث ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد درآمد و ارزش‌آفرینی و درآمد ارزی (صادرات) یا صرفه‌جویی ارزی (واردات) می‌شود. به عبارتی دیگر گندم تنها برای سفره نیست و نقش‌های مهم دیگری در اقتصاد کشاورزی و اقتصاد ملی ایفا می‌کند.



فاطمه پاسبان

عضو هیئت علمی موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

چرا باید خواند:
اگر شما به مسائل حوزه کشاورزی، غذایی و امنیت غذایی علاقه دارید، خواندن این مقاله راهبردی به شما توصیه می‌شود.

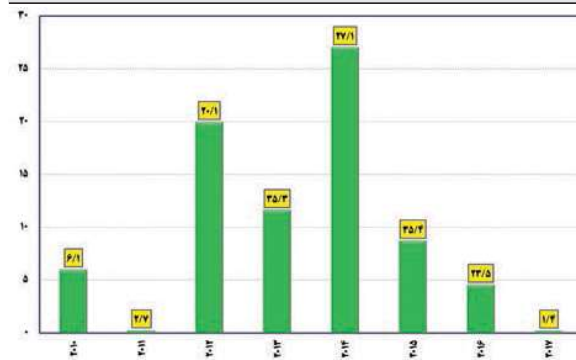
بررسی بودجه خانوار شهری در ایران نشان می‌دهد که انواع نان با متوسط مقدار مصرف سالانه یک خانوار شهری ۲۹۸ کیلوگرم در سال ۱۳۹۶ بر مصرف‌ترین اقلام خوراکی در بین خانوارهای ایرانی بوده است. در سال ۱۳۹۶، مصرف برنج یک خانوار شهری در حدود ۱۰۶ کیلوگرم در سال بوده که در مقایسه با نان، مصرف نان ۲/۸ برابر مصرف برنج است.

تولیدکننده گندم در جهان برای چین ۳۱ درصد و در هندوستان ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۷ بوده است. اطلاعات نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ این نسبت ثابت نبوده و هر سال عددی را به خود اختصاص داده است (جدول شماره ۱). این رقم برای ایران در حدود ۰.۲ درصد است که نوسانات زیادی در طی دوره مورد نظر داشته است. بنابراین می‌توان این نکته را اشاره کرد که خودکفایی در بحث گندم در کشورهای جهان دنبال می‌شود و واقعیت‌های آماری حاکی از آن است که این درجه خودکفایی در طول زمان بر حسب شرایط مختلف (محیطی، جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی) متفاوت است. در این خصوص تجربه کشورهای جهان نشان می‌دهد که به منظور دستیابی به خودکفایی در تولید گندم تلاش دولت‌ها بر آن است تا منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را متعادل ساخته و مسائل زیست محیطی را در نظر بگیرند. سیاست‌های اعمال شده از بعد تولید بر افزایش عملکرد و تولید و همچنین حمایت از درآمد تولیدکنندگان تأکید دارد. از بعد مصرف، دولت تلاش دارد تا از طریق اطمینان از دسترسی به آرد گندم (با کیفیت و سالم) در قیمت‌های مناسب، امنیت غذایی خانوارها را افزایش داده و ثبات قیمت را حفظ کند. همچنین تلاش بر آن است تا الگوی مصرفی خانوار از گندم و نان به کالاهای دیگر (که قابلیت جایگزینی از نظر تغذیه‌ای با گندم دارد) را با شیوه‌های تشویقی و ترغیبی و آگاه‌سازی اصلاح کند. از بعد منابع محیط زیست دولت تلاش دارد که آثار منفی زیست محیطی تولید گندم را به حداقل برساند و با سیاست‌های مناسب در جهت صیانت از منابع آب طبیعی و محیط زیست و توسعه آن گام بردارد و الگوی کشت دوستدار محیط زیست در مناطق مستعد را ترویج کند (نه در هر منطقه‌ای که دچار بحران زیست محیطی است). این نوع نگاه تضمین‌کننده تقاضای داخلی و رفاه اجتماعی نسل فعلی و آتی خواهد بود. مشکل راهبرد خودکفایی گندم در ایران آن است که مطالعات اقتصادی، اجتماعی و توسعه پایدار بر حسب منطقه تولید به منظور تحلیل هزینه-فایده اجتماعی صورت نگرفته است تا بتوان بر اساس آن مشخص کرد که کجا، به چه میزان و با چه سیاست‌های حمایتی و توسعه پایدار گندم تولید شود و مناطقی که فاقد معیارهای مورد نظر هستند، به جای گندم چه تولید کنند به چه میزان که آمایش سرزمین برقرار شود. در کنار آن مشکل دیگر آن است که در جهت تغییر الگوی مصرف خانوارها تلاشی نشده است که به جای مصرف نان کالاهای جایگزین آن ترویج و ارائه شود تا بخشی از منابع و زمین بخش کشاورزی از زیر کشت گندم خارج و به تولید کالاهای با مزیت نسبی تخصیص داده شود تا درآمد بهره‌برداران و کشور افزایش یابد. ■

نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ در سال زراعی ۹۷-۱۳۹۶، سطح زیر کشت کل محصولات زراعی کشور تقریباً برابر ۱۱.۱ میلیون هکتار بوده است که محصول گندم به تنهایی نیمی از زمین‌های زراعی کشور را به خود اختصاص داده است.
- ▶ اندیشه و رویکرد خودکفایی گندم همواره مورد توجه دولت و حاکمیت بوده و دیدگاه‌ها و انتقاداتی از سوی کارشناسان را به همراه داشته است. بحث بر سر «خودکفایی» و «مزیت نسبی» است.
- ▶ خودکفایی به وضعیتی اطلاق می‌شود که تولید همه (خودکفایی مطلق) یا بیشتر مواد غذایی (خودکفایی نسبی) برای مصرف داخل کشور صورت می‌گیرد.
- ▶ مزیت نسبی بر پایه «رقابت پذیری» استوار است. رقابت پذیری یعنی شاخصی برای توانایی عرضه محصول و خدمات در مکان، زمان و شکل خاصی که خریداران جست‌وجو می‌کنند، با قیمتی برابر یا بهتر از سایر عرضه‌کنندگان، به گونه‌ای که حداقل هزینه فرصت منابع مصرفی را پوشش دهد.

نسبت واردات به تولید ایران / تن (ماخذ: فائو)



هم‌اچه‌اماتی هست. به عنوان نمونه، اگر کشوری ادعا کند از نظر غذایی خودکفا است، آیا این بدان معنی است که در تجارت بین‌المللی مواد غذایی مشارکت نمی‌کند؟ در یک حالت شدید، خودکفایی غذایی را می‌توان چنین تعریف کرد که کشوری مرزهای خود را با تمام تجارت مواد غذایی بسته است- هم واردات و هم صادرات - و تمرکز آن بر داخل و منابع بخش کشاورزی خود بوده تا بتواند تمام نیازهای غذایی خود را در داخل کشور تولید کند. این تعریف افراطی است زیرا هیچ کشوری وجود ندارد که صددرصد به بازارهای خود متکی باشد. با این حال این نکته مهم است که کشوری خودکفایی را چه تعریف کرده است: آیا همه نیاز داخلی را خود تأمین کند یا بخشی از آن را با واردات تأمین کند یا بیش از نیاز داخلی تولید کند و صادرات داشته باشد. از طرف دیگر مزیت نسبی بر اساس یک اصل اقتصادی پایه‌ریزی شده است. مزیت نسبی، اصلی است که بر پایه «رقابت‌پذیری» استوار است. طبق تعریف رقابت‌پذیری عبارت است از شاخصی برای توانایی عرضه محصول و خدمات در مکان، زمان و شکل خاصی که خریداران جست‌وجو می‌کنند، با قیمتی برابر یا بهتر از سایر عرضه‌کنندگان، به گونه‌ای که حداقل هزینه فرصت منابع مصرفی را پوشش دهد.

دو استراتژی اصلی یاد شده، برای محصولات مختلف لزوماً در یک راستا نبوده و ممکن است پیشنهادهای متفاوتی ارائه دهند که در تضاد با هم باشند. به عنوان مثال ممکن است استراتژی خودکفایی، تولید گندم را ترویج دهد اما استراتژی مزیت نسبی تولید آن را غیراقتصادی بداند. اینکه با چه ملاحظاتی برای محصولات مختلف تصمیم‌گیری شود که آیا بر اساس اصل «خودکفایی» یا «مزیت نسبی» عمل شود یا اینکه هر دو اصل رعایت شود.

آمار و اطلاعات فائو نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۶ نرخ خودکفایی غذا (تولید+ واردات- صادرات) در برخی کشورها بیشتر از ۱۰۰ بوده یعنی علاوه بر تأمین نیاز داخلی امکان صادرات هم داشته‌اند. کشورهایی که نرخ خودکفایی غذای آنان بیش از ۱۲۰ درصد بوده شاخص گرسنگی آنان کمتر از ۵ درصد است که شامل کشورهای ایالات متحده آمریکا، استرالیا، آرژانتین، کانادا، قزاقستان و سوئد است. در مقابل کشورهایی که نرخ خودکفایی غذای آنان کمتر از ۸۰ درصد بوده شاخص گرسنگی آنان بیشتر از ۵ درصد بوده است. کشورهایی مانند ژاپن، انگلستان و کره در این زمره کشورها هستند. خودکفایی غذایی در صورتی که منجر به کاهش گرسنگی و برقراری امنیت غذایی (دسترسی به غذای سالم با رژیم غذایی سالم و استاندارد) باشد و در کنار آن صیانت و حفاظت از منابع پایه و محیط زیست برای نسل فعلی و نسل‌های آتی برقرار کند، راهبرد اقتصادی است، در غیر این صورت منافع اقتصادی و رفاه کشور را با خطر مواجه خواهد ساخت.

آمار فائو نشان می‌دهد که کشورهای عمده تولیدکننده گندم به دلایل مختلف (تغییرات آب و هوایی، آفت، قیمت و ...) بخشی از نیازهای داخلی خود را از واردات تأمین می‌کنند به عنوان نمونه نسبت واردات به تولید گندم برای دو کشور عمده